

بازار فرش بر دار مرمت

سرانجام با همکاری شهرداری، میراث فرهنگی و بازاری‌ها گره‌های بازار فرش باز و احیای آن وارد مرحله اجرا شد

محبوبه عظیم‌زاده | سرتاسر اینجا را باید طلا بگیري، آذین ببندی و چراغانی کنی. بعد، هر وقت نیت کردی قدم به داخل آن بگذاری، سرت را با افتخار بالا بگیری و آنچنان با طمأنینه قدم برداری که انکار داری خاک زیر پایت را نوازش می‌کنی. اینجا، فقط بازار فرش مشهد نیست، بلکه یک تکه طلایی از تاریخ، هویت و فرهنگ این مملکت (قطعاً نه فقط مشهد) است. باید از نزدیک تماشايش کنی. دست بکشی روی

صحيح پيش نرود، معلوم نيست تا چه زماني بتواند با همين صلابت به ايستادن روی باهانش ادامه بدهد. بازار فرش مشهد، اين روزها بيشتري از هر زمان ديگري نياز مند يك مرمت اساسي است؛ اتفاقي كه حالا بعد از گذشت سال‌هاي طولاني به مراحل اجرايي رسيده است. روايت زير، شرح يكي دو ساعت پرسه زدن در اين دالان تاريخي و كپ و گفت با حجره داران و قديمي‌هاي اين بازار است.

تار و پود فرش‌ها و گرد و رويش را سر به چشم‌هايت كني. بايد هر دفعه كه زل می‌زنی به تلفيق جنون آميز و روح نوازش رنگها، از نو لفظ هنر و هنرمند را ابراي خودت معنا كني. ما، حتما بخت بلندی داشته‌ايم كه در قرن بيست و يكم و لايه لاي تمام ساختمان‌هاي غول آسايي كه سر راهمان سبز می‌شوند، می‌توانيم چشممان را به جمال جايي مثل بازار فرش مشهد روشن و شهنش كنيم؛ جايي كه البته اگر احياي آن سريع و



هر فرش يك قصه

بی‌شبا به افسانه‌ها نیست؛ داری لایه‌لای شلوغی همیشگی شهر قدم می‌زنی، گوشت پر است از بوق بوق ماشین‌ها و آدم‌هایی را می‌بینی که با عجله از یک ساختمان بیرون می‌آیند و می‌روند داخل یک ساختمان دیگر، ناگهان می‌رسی به یک خیابان قدیمی که به محض قدم گذاشتن داخل آن، یک نیروی عجیب و غریب دستت را می‌گیرد و پرت می‌کند به گذشته‌ها؛ به یک دالان تاریخی که از چپ و راست و بالا و پایینش فرش‌ها و قالیچه‌های کوچک و بزرگ و رنگ به رنگ آویزان است و می‌توانی در تاروپود هر کدام از آن‌ها هزار و یک قصه ببینی و هزار و یک قصه دیگر را هم توی ذهنت بیافی. حجره‌هایی که داخل هر کدامشان یکی دو تا از خاک‌خورده‌ها و قدیمی‌های بازار نشسته‌اند؛ با همان کلاه‌های قهوه‌ای رنگ پشمی و موهای سپیدشده و عصاهایی که تکیه‌گاه دست‌های گره کرده زير چانه‌شان است. این حسن نوستالژیک وقتی کامل می‌شود که گاری دستی‌هایی را می‌بینی که رویشان تخته‌تخته قالیچه چیده‌اند. این لایه‌لایه‌ها عابرهای قالی به دوشی را هم می‌بینی که به امید یافتن مشتری داخل تک تک حجره‌ها سرک می‌کشند. خیلی‌ها ایشان ترکمن‌اند. می‌روم مقابل یکی‌شان می‌ایستم قالیچه‌اش را ببینم. از روی دوشش می‌آورد پایین و مقابل چشم‌مان باز می‌کند. هزار رنگ و حس و حال خوب از آن می‌بزد بیرون. می‌گوید: «قالیچه تمام ابریشم و دوروی دودوخه» و پشت بندش اطلاعات تکمیلی را هم در اختیارم قرار می‌دهد: «دودوخ اسمم به روستا توی راز و جگر لانه که به بافت فرش‌های ابریشم دورو شهرت داره. به همین خاطر این فرش‌ها به اسم دودوخ معروفه. قطعش یک و ده در یک و هفتاده و بافتش به سال زمان برده. قیمتش حدوداً ۱۵ میلیون تومن در میاد.» البته صحبت‌های او به همین جا ختم نمی‌شود. می‌گوید: «توی رج به رج فرش‌های ترکمن به قصه وجود داره. مثلاً قوچ نماد قدرت و جنگندگیه. آفتاب نماد پاکی و سرزندگی. پرند ه‌ها نماد عروج و...»



در طرح مرمت بازار، زیبایی‌های خفته آن را هم احیا کنیم

البته ظرفیت بازار فرش مشهد فقط محدود به قالی و قالیچه‌های جلوی چشم نیست، اگر اعتماد حجره داران را جلب کنی، دنیایی دیگر را مقابل چشم‌انت می‌گشایند. کارگاه‌های مرمت، رفو و رنگرزی فرش، بالای پشت‌بام‌ها، داخل خانه‌های چسبیده به بازار و در پستوهای همین حجره‌هاست. نکته‌ای که بد نیست در تکمیل طرح مرمت بازار مد نظر قرار داده شود، فراهم کردن شرایط مطلوب برای بازدید از این کارگاه‌ها و آشنایی عمیق‌تر با این حرفه و تکمیل زیبایی و شکوه خفته در بازار فرش است. علاوه بر این، وجود جاذبه‌های تاریخی بی‌نظیر در بازار فرش، اهمیت این راسته را بیشتر می‌کند. مسجد شاه (مسجد هفتاد و دو تن)، حمام شاه (حمام یا موزه مردم‌شناسی مهدی قلی‌بیگ) در انتهای بازار، آب‌انبار حوض چهل پایه، کتیبه سنگی بالای ورودی آب‌انبار، مسجد و حسینیه فردوسی‌ها در طول بازار از جمله این آثار ارزشمند تاریخی هستند که در طرح نیز به شکل تاریخی حفظ خواهند شد.



مبادا خاطره دهه ۴۰ تکرار شود

این شکوه و زیبایی تنها یک روی بازار فرش است. لایه‌لای قدیم زدن هایتان در این راسته، اگر کمی سربه‌هوارا بروید، حتما کابل‌های لخت آویزان از گوشه و کنار بازار و چوب‌های خشک و پوسیده سقف چندین و چند ساله بازار را می‌توانید به خوبی ببینید. دورنمای نازیبایی این چوب‌ها و کابل‌ها را هم که نادیده بگیریم، نمی‌شود از تصور خوفناکی غافل ماند که شاید شبی یا روزی با یک جرقه کوچک به جان این بازار باشکوه بیفتند و یک آتش سوزی مهیب را رقم بزنند. بله، همین قدر دور و همین قدر نزدیک. اتفاقی که در دهه ۴۰ نیز یک مرتبه گریبان این بازار را گرفت و تکرار مجدد آن قطعاً جبران‌ناپذیر نیست. یکی از حجره داران که از نمایندگان هم‌صنفان

خودش در تعاملات با میراث فرهنگی و شهرداری نیز هست، درباره طرح ساماندهی بازار فرش می‌گوید: «در طرح مرمت بازار، سقف‌های چوبی و شیروانی شکل امروز، برداشته می‌شود و سقف‌هایی با شکل و شمایل سنتی و گنبدی جایگزین آن می‌شود. این طرح بیشتر از زیبایی به خاطر امنیت بازار است که اهمیت دارد. این کابل‌های برقی که از سقف آویزان است را ببینید. یک آتش سوزی می‌تواند خانه و زندگی و سرمایه یک عده آدم و بخشی از هویت شهری و فرهنگی ما را نیست نابود کند.» یکی دیگر از نمایندگان بازاری‌ها که با او هم کلام شدیم دوباره به این نکته اذعان می‌کند: «باورتان می‌شود آتش نشانی به ما اخطار داده است؟ این یعنی هر لحظه امکان دارد یک آتش سوزی مهیب رخ بدهد.»

تکلیف نامعلوم یک سوم بازار

یکی از حجره داران که در قسمت انتهایی بازار، حجره دارد می‌گوید: «یک سوم بازار، جزو اراضی آستان قدس محسوب می‌شود و فعلاً شرایط نامعلومی دارد.» او که خود از قدیمی‌های بازار فرش است با رفتن به گذشته دور ادامه می‌دهد: «قبل از اینکه خرابی‌های دور حرم شروع شود، امتداد این بازار می‌رفت تا دور بست. چندین سرا بود؛ سراهای مختلف که حالت کاروان‌سرایي داشت. زمانی که بازسازی اطراف حرم شروع شد، مقداری از اینجا خراب شد. حالا بازاری‌ها بیم دارند خراب شدن یک سوم دیگر از بازار، منجر به نابودی کامل آن شود.» حجره دار قدیمی سپس به امروز باز می‌گردد و دو داستان دو سوی بازار را نشان می‌دهد و می‌گوید: «بی‌تعارف امروز بازار فرش مشهد صد متر بیشتر نیست، یک سومش هم که برود چیزی به عنوان بازار فرش نمی‌ماند.»



نیمی از هزینه‌ها را شهرداری تقبل کند و نیمی دیگر را بازاری‌ها. برخی با پرداخت این هزینه‌ها مشکل دارند. البته عده‌ای هم درباره بخش اجرایی کار مشکل دارند. می‌گویند زمان زیادی می‌برد، کارشان تعطیل می‌شود و هیچ شرایط جایگزینی هم در طول این مدت برایشان پیش‌بینی نشده است. او همچنین اضافه می‌کند: «اگر اطمینان لازم برای بازاری‌ها به وجود بیاید که در یک بازه زمانی کوتاه و با هماهنگی و انسجام بیشتری این اتفاق رخ بدهد، قطعاً آن‌ها هم با انرژی بیشتری پای کار می‌آیند.»

اجرای آزمایشی مرمت بازار آغاز شده است

این روزها اگر گذرتان به بازار فرش بخورد، حتماً بساط‌شن و خاک و سنگ‌هایی را که در قسمتی از بازار روی زمین ریخته شده است، می‌بینید. داربست‌هایی از طرف بالا آمده‌اند و گودبرداری‌هایی نیز مقابل دوتا از مغازه‌های روبه‌روی هم انجام شده است. یکی از بازاری‌ها درباره این طرح و اینکه آیا از جمع آن‌ها کسی با آن مخالفتی دارد یا نه می‌گوید: «مخالفتی هم اگر وجود دارد به خاطر هزینه‌هایش است. طبق توافقی که با شهرداری کردیم، قرار شد که

بازار فرش مشهد، تکیه‌گاهی برای جذب گردشگر

امروز فرش مشهد و بازار آن، جایگاه چندانی در سیدسوغات‌زائران و گردشگران ندارد. به گواه راهنمایان گردشگری، بیشتر گردشگرانی که پا به مشهد می‌گذارند، کمتر نام بازار فرش را شنیده‌اند. وقتی هم که با اصرار راهنمایان به تماشای بازار می‌روند، گرچه اظهار علاقه می‌کنند، کمتر پیش می‌آید فرش‌های بخردند و آن‌ها را در گوشه چمدان بگذارند. به گفته راهنمایان گردشگری اروپایی‌ها به دلیل تبلیغات فراوانی که راجع به فرش اصفهان و شیراز شنیده‌اند ترجیح می‌دهند از این شهرها نیز خرید کنند. البته که باید

به آنان حق داد. امروز بازار فرش مشهد دیگر آنچنان که در گذشته مشهور بود، و حدود ۱۰۰ سال قبل تبلیغاتش در مجله‌ها و روزنامه‌های اروپایی چاپ می‌شد، نه‌در‌نزد ایرانی‌ها شناخته شده است و نه گردشگران خارجی و دقیقاً به همین دلیل است که نمی‌تواند به یک شکل شایسته نقطه اتکایی برای جذب گردشگر و در نتیجه کمک به اقتصاد مشهد باشد. البته که حجره داران بازار فرش امروز بیشترین مشتریان خود را زائران عرب بیان می‌کنند و می‌گویند: «فرش‌های دستی برای زائران داخلی گران است، به همین دلیل بیشتر مشتریان ما زائران عرب هستند که از قضا استقبال خوبی می‌کنند.»

روزهای خوبی در انتظار بازار قدیمی مشهد است

نگاهی به آینده بازار فرش مشهد در گفت‌وگو با مشاور طرح احیا و مرمت بازار فرش



بشناسیم و اگر در حین کار با چالش‌های جدی روبه‌رو شدیم بتوانیم آن را اساسی حل و فصل کنیم.» ساسان نوروزی مدت زمان لازم برای مطالعه باستان‌شناسی بخش آزمایشی را ۳ هفته بیان می‌کند و می‌گوید: «حدود ۴ هفته است که عملیات اجرایی آن مثل کندن پی و زدن ستون‌ها آغاز شده است که در مجموع نیز بیشتر از ۳ ماه به طول نخواهد انجامید.» او بلافاصله توضیح می‌دهد: «البته قرار نیست برای هر دهه ۳ ماه زمان گذاشته شود. تمام هدف ما این است که مطابق با برنامه‌ریزی پیش‌برویم و در همین بازه زمانی یک ساله اصل کار احیای بازار را به اتمام برسانیم.»

برای نخستین بار سال ۱۳۸۵، یعنی یک سال بعد از ثبت‌نام بازار فرش مشهد در فهرست میراث ملی بود که بحث مرمت بازار فرش مطرح شد، اما در آن زمان به دلیل اختلاف بین شهرداری و میراث فرهنگی این طرح بی‌نتیجه ماند. سال ۱۳۹۷، تقی‌زاده خامسی، شهردار وقت مشهد، مجدد این بحث را پیش کشید و خواستار ارائه یک طرح مفصل برای بازسازی بازار فرش شد. این بار به دلیل ارتباط خوب شهرداری و میراث فرهنگی، طرحی در همان سال در آستان تصویب و تیر امسال هم تأیید و از تهران ابلاغ شد. حالا، در آذرماه ۹۸ این طرح با آغاز مرمت یک قسمت از بازار به صورت آزمایشی وارد فاز عملیاتی خود شده است. به همین بهانه و باهدف آگاهی‌بخش‌تر از چند و چون ماجرای بازار فرش و روند اجرای طرح آن، به سراغ ساسان نوروزی، مشاور این پروژه رفتیم و از او درباره جزئیات طرح پرسیدیم.

مرمت بخش آزمایشی ۳ ماه زمان می‌برد مشاور طرح احیا و مرمت بازار فرش مشهد، با تأکید بر حمایت کامل شهردار مشهد و مدیرکل میراث فرهنگی خراسان رضوی از طرح احیای بازار فرش مشهد می‌گوید: «اکنون احیای یک دهه از کار به صورت آزمایشی آغاز شده است تا در این مدت مشکلات اجرایی آن را

مانعی برای کسب و کار بازاری‌ها ایجاد نخواهد شد
«این قول را به شما و تمام کسبه می‌دهیم که نتیجه کار به لحاظ زیبایی بصری و مهم‌تر از آن، امن‌تر شدن محیط کار قطعاً حال خوبی را به همه منتقل خواهد کرد.» این نوروزی می‌گوید و ادامه می‌دهد: «کسبه در این مدت سر کار خود خواهند بود.» او سپس با ارائه پیشنهادش برای برقراری بازار در طول اجرای پروژه می‌گوید: «تعدادی از مغازه‌های بازار خالی است. علاوه بر این، یکی دو تا مجتمع خالی نیز وجود دارد. می‌توانیم شرایط را به گونه‌ای فراهم کنیم تا خود را ببردازد.»

تقارن صحبت‌ها درباره طرح بازار فرش ۸۵ سال
تعمیر ۹۸ تیر
۹۷ شهریور
۹۸ آذر



عکس: مرصه میرزاآقا شهرآورد